

نگاه به شرق پیشنهادی به دولت

در پسابرجام

مهدی حقیقت‌خواه کارشناس سیاست خارجی

تنها یک روز پس از سخنرانی آقای روحانی درخصوص ادامه حضور مشروط ایران در برجام بدون آمریکا، مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و معلمان، ضمن اعلام بی‌اعتمادی به کشور‌های اروپایی، ارائه تضمین‌های واقعی و عملی را شرط ادامه حضور ایران در برجام دانستند؛ موضوعی که با حمایت و تاکید دولت روبه‌رو شد. دکتر ظریف در دیدار با موگرینی گفت: «زمان زیادی برای دستیابی به مکانیسم تضمین‌های لازم برای حفظ منافع ایران در صورت ماندن در برجام وجود ندارد. ما امروز می‌خواهیم ببینیم آیا اعضای باقیمانده برجام آماده ارائه منافع اقتصادی برجام هستند یا نه؟» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز «حفظ و تعمیق روابط اقتصادی با ایران»، «تاکید بر تعاملات موثر بانکی با ایران»، «تداوم فروش نفت و گاز ایران»، «سرمایه‌گذاری بیشتر در ایران» و «حمایت از فعالان اقتصادی اروپا که در ایران مشغول هستند و ایجاد فضای اطمینان بخش حقوقی برای آنها» را از مواردی دانست که به‌زعمر او اتحادیه بر آنها تاکید دارد.

همزمان با این اعلام مواضع، شرکت فولادسازی «دانیلی» ایتالیا قرارداد ۱/۵ میلیارد یورویی خود با ایران را لغو کرد، شرکت دانمارکی «ای پی مولر -مائرسک» که در زمینه ترابری دریایی فعالیت می‌کند نیز اعلام کرد که مراودات تجاری خود با ایران را متوقف خواهد کرد، مدیرعامل زیمنس آلمان هم گفت که دیگر هیچ قرارداد اقتصادی با ایران نخواهد بست و...

با این توصیف، سوال اینجاست که اتحادیه اروپا چه تضمین‌های واقعی را باید درخصوص برجام ارائه کند تا ایران را مجاب به ادامه حضور در این توافق کند؟ از سسوی دیگر، این سوال نیز مطرح است که آیا اساسا اتحادیه اروپا امکان و توان ارائه این تضمین‌ها و روبرایی احتمالی با آمریکا را دارد یا نه؟

در تحلیلی اجمالی می‌توان «اطمینان‌بخشی در حوزه‌های مالی، بانکی و سرمایه‌گذاری» را سه حوزه مهم در تعهدات غیرفنی مندرج در برجام برای طرف مقابل ایران دانست؛ تعهداتی که در حال حاضر با خروج آمریکا از برجام و تمایل این کشور برای بازگرداندن تحریم‌ها علیه ایران به حالت تعلیق درآمده است. به عبارت دیگر اتحادیه اروپا و تا حدی روسیه و چین باید نسبت به هزینه‌های ناشی از خروج آمریکا و تحریم‌های جدید این کشور علیه ایران از طریق تعیین مکانیسم‌های عینی و عملیاتی پاسخگو باشند. در این رابطه می‌توان از مواردی چون ایجاد خط اعتباری مبتنی بر ایران برای ایران و تضمین سرمایه‌گذاری شرکت‌های اروپایی در برور توسط بانک‌های مرکزی کشورهای اروپایی به‌عنوان نمونه‌هایی از این تضمین‌ها اشاره کرد.

البته در این رابطه نگرانی جدی دیگری نیز وجود دارد؛ در روزهای اخیر برخی رسانه‌های غربی از بسته پیشنهادی جدید اروپا یاد کرده‌اند که از آن به‌عنوان «توافق مکمل» یاد می‌شود. در این توافق مکمل، کشورهای اروپایی به ایران پیشنهاد می‌کنند تا در مقابل محدودسازی توان دفاعی موشکی و عقب‌نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای خود، به حجمی در حد چند میلیارد دلار در قالب کمک‌های اقتصادی دسترسی پیدا کند. هرچند مقامات ایرانی، هرگونه مذاکره با اروپا در مواردی غیر از برجام را تکذیب کرده‌اند، اما شواهدی از قبیل اظهارنظر‌های پرشمار مقامات غربی و اعلام نگرانی آنها از رفتار منطقه‌ای ایران و پیشرفت‌های موشکی ایران، نگرانی‌های جدی را در این رابطه ایجاد کرده است. با این حال بعید به نظر می‌رسد که اتحادیه اروپا در میان مدت و بلندمدت بتواند از مرابوده ۴۵۰ هزار میلیارد دلاری خود با آمریکا چشم‌پوشی کرده و منافع شرکت‌های بزرگ و کوچک خود در آمریکا را نادیده بگیرد و پایبند به ۱۵ میلیارد دلار روابط اقتصادی با ایران باشد. به نظر می‌رسد اتحادیه اروپا در دوگانه «استقلال از آمریکا» و «پیروی از آمریکا»، منطقا گزینه دوم را انتخاب خواهد کرد؛ چراکه واجد منافع بیشتری برای او خواهد بود.

از سسوی دیگر و از منظر سیاست داخلی، بیش از آنکه خبر خروج آمریکا از برجام مهم باشد، تصمیم دولت آقای روحانی برای مذاکره مجدد با اروپاییان درخصوص ادامه حضور در این توافق بااهمیت است. اعلام موضع آقای رئیس جمه‌ور مبنی بر ادامه حضور در برجام بدون آمریکا در حالی که اساسا با خروج واشنگتن چیزی جز تعهدات مستولی شده ایران در توافق باقی نمانده، نشان داد که دولت محترم کماکان حضور و وجود خود را وابسته به مفهومی خیالی به نام «برنامه جامع اقدام مشترک» می‌داند.

آقای روحانی در سخنرانی خود، دستور مذاکره با ۱+۴ را برای اثبات این موضوع که آیا سایر طرف‌های توافق به آن پایبند خواهند بود یا نه، صادر کرد. اما ایشان و سایر دست‌اندرکاران برجام هرگز توضیح ندادند که تکلیف تعهدات آمریکا (به‌عنوان مهم‌ترین عضو توافق با ایران) که قرار بود در قبال تعهدات عملی شده ایران، عملیاتی شود، چه می‌شود. آمریکا رکن اصلی ساختار حقوقی و حقیقی تحریم‌ها علیه ایران است. فارغ از اینکه آمریکا در این دو سال، تحریم‌ها را نه «لغو» که «تعلیق» کرد، (آن هم صرفا روی کاغذ) با خروج این کشور از برجام، تحریم‌هایی که آمریکا و در پی آن دولت آقای روحانی قول رفع آن را داده بودند، چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد؟ تحریم‌هایی که در ازای لغو آنها، ایران در وضعیت فردو، اراک، طلنز و سایر ظرفیت‌های زیرساختی خود تجدیدنظر اساسی کرد.

با این توصیف، چه باید کرد؟ در این رابطه به نظر می‌رسد علاوه‌بر وجود داخلی مساله که پایبندی تام و تمام دولت و ملت در تقویت توان داخلی اقتصاد ملی است، در حوزه خارجی، پیگیری نگاه به شرق، جدی‌ترین و عملیاتی‌ترین گزینه موجود بر سر راه ایران باشد. استفاده از ظرفیت‌های اوراسیا، شرق و جنوب شرق آسیا موضوعی است که دولت محترم می‌تواند از آن به‌عنوان راهکاری موثر برای پیشبرد امور استفاده کند. در این رابطه، امضای قرارداد تجارت آزاد میان ایران و اوراسیا در روزهای گذشته می‌تواند آغازی بر این مسیر باشد. همچنین ایجاد پیمان‌های پولی دوا یا چندجانبه متنوع، ایجاد و مشارکت در پیام‌رسان‌های بین المللی مشابه سوئیفت با کشورهای شریک و استفاده از ظرفیت مجامعی همچون بریکس، مکمل خوبی برای عبور از این دوره گذار خواهد بود. مشارکت در طرح «یک کمربند- یک جاده» چین که یادآور همکاری‌های باستانی در کشور در جاده ابریشم است، فعال کردن کریدورهای شمال –جنوب و شرق –غرب برای استفاده از قابلیت‌های ترانزیتی آن و استفاده از ظرفیت روسیه، هند، ژاپن، سنگاپور و ... در آسیا و آفریقای جنوبی و برزیل در کنار سایر کشورهای سطح دو و سه اروپایی، آفریقایی و آمریکایی علاوه‌بر سختی‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود، واجد مزایای متعدد فراوانی است که در میان مدت و بلندمدت می‌تواند راهگشای خوبی برای اقصاد کشور باشد.

لحظاتی پس از خروج آمریکا از برجام ،

رئیس جمهور کشورمان سخنانش را با این جمله آغاز کرد: «ملت

ایران در حال یک تجربه تاریخی است.». این جمله میوه ۱۲ سال مذاکره برای ایران بود و دو تیتیر مهم را یادآوری کرد: «در عرصه سیاست خوشبینی و بدبینی معنا ندارد» و «امضای کری تضمین است.، برجام بر مبنای تئوری اختلاف انداختن بین اروپا و آمریکا شکل گرفت و رئیس جمهور و وزیر خارجه کشورمان با کلیدواژه «برجام بدون آمریکا» بر ادامه آن باهمین تئوری اصرار دارند. تئوری اختلاف آمریکا و اروپا یک ریشه تاریخی دارد و در زمان محمد مصدق تجربه شده است. علاوه‌بر این، مبنای نظری دیگری در دولت کنونی وجود دارد که شکوفایی اقتصادی را منوط به سرمایه‌گذاری خارجی می‌داند و از این رو نتیجه ندادن برجام به معنای شکست ایده اقتصادی دولت خواهد بود. مرور تاریخ معاصر نشان می‌دهد تئوری «اختلاف آمریکا و اروپا» و «سرمایه‌گذاری خارجی» شاید موفقیت‌های کوچک مقطعی به دنبال داشته باشد، اما در بلندمدت و منافع بزرگ شکست خورده است.

تئوری اختلاف آمریکا و انگلیس در ملی شدن صنعت نفت

در ماجرای ملی شدن صنعت نفت، مصدق می‌خواست با اختلاف‌افکنی میان آمریکا و انگلیس با آنها بازی کند و امتیاز بگیرد. مصدق به خوبی می‌دانست آمریکا و انگلیس اهل معامله‌اند، اما ظاهرا به منافع بلندمدت و پیوسته آنها چندان توجهی نداشت. اختلاف بین ایران و انگلیس بر سر ملی شدن صنعت نفت بالا گرفت و آمریکا از یک سو با پیشنهاد انگلیس سفیر خود در ایران را که رابطه خوبی با مصدق داشت برکنار کرد و از سوی دیگر در اختلاف نفتی جانب ایران را گرفت؛ دین آچسن، وزیر امور خارجه وقت آمریکا رسما ملی شدن صنعت نفت ایران را مورد حمایت قرار داد و گفت: «ما حق دولت‌های مستقل و آزاد را برای ملی کردن نفت خود به رسمیت می‌شناسیم.» و مارکس تورنبرگ، رئیس موسسه مشاوران آمریکا ضمن مصاحبه‌ای در حمایت از حق قانونی ایران در مساله نفت گفت: «شرکت نفت ایران و انگلیس حقوق قانونی ایران را نمی‌پردازد و بنابراین مسئول قسمت عمده نارضایتی‌هایی است که درحال حاضر درباره نفت و عدم ثبات اقتصادی کشور ایجاد شده است.» نظیر همین مطالب را جورج مک گی، معاون وزارت خارجه آمریکا نیز به زبان رانده بود. این معاون آمریکاییان از ایران حتی ششم انگلیسی‌ها را نیز برانگیخت، به‌طوری که هربرت موریسون، وزیر خارجه انگلیس پس از شنیدن این اظهارات به واشنگتن اعتراض رسمی کرد. ترومن دموکرات به ایران نماینده فرستاد و آمریکا میانجی ایران و انگلیس شد، اما ترومن هیچ کمکی به مصدق نکرد؛ نه با درخواست وامش موافقت کرد و نه شرایطی برای فروش نفت ایران مهیا کرد. مصدق به ایزنهاور جمهوری خواه نیز نامه نوشت:

درنگ



شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۷ ۱۳ رمضان ۱۴۳۹ ۲۹ می ۲۰۱۸ شماره ۲۵۰۵

درباره ایده دولت در پسابرجام

مروری بریک تجربه تاریخی؛ «اختلاف بین آمریکا و اروپا»



است که دموکرات‌ها را بهتر از جمهوری‌های می‌داند. علاوه‌بر تجربه مصدق، تمدید تحریم‌های ISA توسط باراک اوباما نشان می‌دهد دل بستن عده‌ای در کشور به دموکرات‌های آمریکایی چقدر اشتباه است. در واقع اوباما اولین قدم بزرگ برای نقض برجام را با وتو نکردن تمدید تحریم‌های ISA برداشت. آمریکا همه آمریکاست و غرب همه غرب؛ تفکیک‌های ذهنی آمریکا- اروپا و دموکرات- جمهوری خواه شاید برای اتخاذ روش‌های مواجهه مناسب باشد، اما این تفکیک‌ها نباید موجب فراموش کردن اصل قضیه شود؛ اصل قضیه بهانه‌جویی‌های آنها برای مقابله با جمهوری اسلامی است. «حفظ برجام در عین فشار بر ایران» راهبرد روشن مقامات غربی برای مقابله با جمهوری اسلامی است؛ این راهبرد در اظهارات سران این کشورها روشن است: زیگمار گابریل، وزیر خارجه آلمان (مهر ۹۶): برلین آمادگی دارد فشار دیپلماتیک بر ایران را افزایش دهد، اما برجام نباید آسیب ببیند.

بورس جانسون، وزیر خارخه انگلیس (مهر ۹۶): انگلیس تلاش می‌کند توافق هسته‌ای را حفظ کند، اما ایران هم باید به سهم خود عمل کرده و نقش منطقه‌ای اخلال گرانه خود را کاهش دهد. امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه (شهریور ۹۶): با توجه به تحولات وضعیت منطقه و فشار فراینده‌ای که ایران به منطقه وارد می‌کند و با توجه به فعالیت رو به گسترش ایران در زمینه موشک‌های بالستیک، باید برای محدود کردن فعالیت موشکی ایران و تمدید محدودیت‌های برجام بر غنی‌سازی ایران برای دوران پس از سال ۲۵+۲۰، با این کشور گفت‌وگو کرد.

انگلا مرکل، صدراعظم آلمان و نترزای، نخست‌وزیر انگلیس در گفت‌وگوی تلفنی (مهر ۹۶): لازم است جامعه جهانی برای مقابله با فعالیت‌های منطقه‌ای بی‌ثبات‌کننده ایران و بررسی روش‌های رفع نگرانی‌ها

«ملت ایران امیدوار است با مساعدت و همراهی دولت آمریکا موانه‌ی که در راه فروش نفت ایجاد شده برطرف شود و چنانچه رفع موانع مزبور برای آن دولت مقدور نیست، کمک‌های اقتصادی موثری فرمایند تا ایران بتواند از سایر منابع خود استفاده کند. در خاتمه توجه موافق و اثربخش آن حضرت را به وضع خطرناک فعلی ایران جلب کرده و یقین دارم تمام نکات این پیام را با اهمیتی که شایسته است، تلقی خواهند فرمود.» رئیس‌جمهور آمریکا پس از یک ماه تأخیر درحالی که مصدق را تنها امید غرب در ایران می‌خواند، به درخواست وی پاسخ منفی داد. این در حالی بود که مک گی، معاون وزارت خارجه به نمایندگی از آمریکا قول پرداخت یک وام ۱۲۰۰ میلیون دلاری را به مصدق داده بود.

آمریکایی‌ها در مساله نفتی با انگلیس معامله کردند و سعی کردند خودشان جایگزین انگلیس شوند. هندرسن، سفیر آمریکا در ایران به وزارت امور خارجه آمریکا این‌طور گزارش داد: «مصدق با تمام شرایط آمریکا موافق است و «فقط یک عامل مزاحم در این جریان مداخله کرده و مانع از حل قضیه نفت به نفع آمریکا شده است. این عامل مزاحم که مانع تسلیم ایران به نظریات بانک بین‌المللی و ادامه همکاری بین ایران و آمریکا شده، آیت‌ا... کاشانی است.» خوش‌بینی مصدق به آمریکا تا روزهای آخر ادامه داشت و سرانجام مصدق با کودتای ۱۳۰۵ مجبور شد آخر عمر را در روستای احمدآباد بگذراند و به تجربه‌های تاریخی‌اش ببیندیش. اسناد فاش شده کودتای ۲۸ مرداد نشان می‌دهد تئوری اختلاف آمریکا و انگلیس ساخته و پرداخته ذهن مصدق بود و در جهان واقعی چیزی جز هماهنگی دو دولت برای به زیر کشیدن او وجود نداشت. تجربه مصدق علاوه‌بر ناکارآمدی تئسوری اختلاف آمریکا و اروپا، نشان دهنده نگاهی غلط در فرهنگ سیاسی ایران

عباس عراقچی ضمن تایید گفت‌وگو درخصوص یمن با کشورهای اروپایی:

برجام تنها یک چهارم مشکلات بانکی ما را حل کرد

کرد و پیش‌بران هسته‌ای... و انجام شد. کار بزرگ و منفی‌ای که آمریکا در این مدت انجام داد این بود که فضای مساعد همکاری برای شرکت‌ها را به فضای نامطمئن تبدیل کرد و نقض بند ۲۸ برجام بود.»

فروش نفت

عراقچی درباره فروش نفت گفت: «قبل از تحریم‌های نفتی فروش نفت ما حدود ۲/۵ میلیون بشکه بود، بعد از اعمال تحریم‌های نفتی آمریکا برای اینکه به بازار شوک وارد نشود، گفت تمام خریداران نفت ایران باید هر ۶ ماه ۶ درصد کاهش دهند، ما از ۲/۵ میلیون به یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه رسیدیم تا زمان مذاکرات ژنو. در توافق ژنو که موقت بود قرار شد تحریم‌ها همان جایی که هسته برداشته نشود و متوقف شود و فروش نفت یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه ثابت ماند و بعد از برجام نفت ما شروع کرد به فروش رفتن و وزارت نفت توانست بازارهای از دست رفته را احیا کند و الان ۲/۵ میلیون بشکه نفت می‌فروشیم و پول آن را دریافت کرده‌ایم و این پول از مسیرهای بانکی بازگشته است.» معاون وزیر خارجه اضافه کردند: «تمام نفتکش‌ها و کشتی‌های ایران از بیمه‌های بین‌المللی برخوردارند، ولی با رفتن آمریکا دوباره با مشکل مواجه خواهند شد.»

بعد از برجام یک چهارم مشکلات بانکی ما رفع شد

وی‌با بیان اینکه تقریباً یک چهارم مشکلات بانکی ما به تحریم‌های هسته‌ای مربوط می‌شود، اظهار داشت: «بعد از برجام یک چهارم مشکلات بانکی ما رفع شد، ولی بسیار گره گشا بوده و از بن بست‌های بانکی خارج شده‌ایم. مشکلاتی داریم ولی در بن بست نیستیم. سوئیفت دوباره برقرار شده بود و بانک‌های ایرانی در اروپا فوق‌العاده فعال شدند. شرب بانک‌های ایرانی در اروپا، بانک ملی و تجارت در لندن، فرانکفورت و پاریس فوق‌العاده کار کردند.»

معاون سیاسی وزیر خارجه اظهار داشت: «جمله تقریباً هیچ آقای سیف را فروردین ۹۵ گفت که سه‌ماه از اجرای برجام گذشته بود، در این دو سال گذشته خیلی تحولات صورت گرفته است. برجام یک چهارم مشکلات بانکی را حل کرد یک چهارم آن به FATF و یک چهارم به تحریم‌های اولیه آمریکا برمی‌گردد و بقیه مربوط به مشکلات داخلی خودمان است. الان صحبت ما با اروپا این است که باید کانال‌های ویژه بانکی برای ایجاد شود. سخت است ولی شدنی است، منوط به این است که اروپا برای آن سازوکارهای ویژه را ایجاد کند.»

منبع: فارس